وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۲:۱۸	غروب آفتاب:	۱۷:۳۳
اذان مغرب:	۱۷:۵۲	نیمه‌شب شرعی:	۲۳:۳۵
اذان صبح فردا:	۵:۳۷	طلوع آفتاب:	۷:۰۲

کلام نور

زبان عاقل در پشت قلب او جای دارد
و قلب احمق پشت زبان اوست
حضرت علی(ع)

راهنما

برنامه‌های امروز سیما

شبکه	عنوان برنامه	پخش
۱	سریال گذر از رنج‌ها	۲۲:۲۰
۲	سریال ایرانی حانیه	۲۱:۴۰
۳	من انقلابی ام	۱۹:۱۵
۳	سریال ایرانی همه‌چیز آنجاست	۲۰:۴۵
۵	سینماجشنواره	۲۲:۲۵
۵	سریال آخرین بازی	۲۳:۰۵
آی فیلم	سریال چهار چرخ	۱۶:۳۰
آی فیلم	سریال مسیر انحرافی	۱۷:۳۰
آی فیلم	سریال موج و صخره	۱۸:۳۰
آی فیلم	سریال ششمین نفر	۲۱:۳۰
آی فیلم	فیلم ایرانی بوسه باران	۲۲:۳۰
نمایش	فیلم‌الینا	۱۱:۰۰
نمایش	فیلم‌سایاب	۱۷:۰۰
نمایش	فیلم معجزه باد	۲۰:۰۰
نمایش	فیلم مارها در هواپیما	۲۳:۰۰

یادداشت روز

معامله بر سر عزت ملت ایران هرگز!

ادامه از صفحه اول

طبیعی است نهادهای تاثیرگذار داخلی در کشورها نسبت به منافع ملی خود حساسیت‌های لازم را داشته باشند و از اهرم‌های نظارتی برای حفظ اقتدار و پرستیژ آن کشور در مجامع بین‌المللی بهره گیرند، اگرنه هر تشریفاتی که در اصول دیپلماتیک کلاسیک صورت می‌گیرد، اگر تامین‌کننده منافع کشور با حفظ عزت و سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد، نه‌تنها مذموم نیست بلکه شایسته ستایش و تقدیر است اما مثلاً در همین پیاده‌روی می‌شد بحث صدور روادید آقای ابوطالبی، سفیر دائم ایران در سازمان ملل را مطرح کرد تا آخر دیپلماسی لبخند، لااقل این اتفاقی که افتاد نمی‌بود که بعد از یک سال، آخر هم دولت ایران عقب بنشیند. ملت بزرگ ایران از فرزندان خود انتظار دارد در صحنه‌های بین‌المللی با پشتوانه ملتی که بحران‌های کوچک و بزرگ و پرشماری را طی این ۳۶ سال از پیش رو برداشته، با اقتدار و سربلندی به دنبال تامین منافع کشور باشند و بدانند این ملت را از سختی‌ها، پستی‌ها و بلندی‌ها باکی نیست اما حاضر به معامله عزت خود نیستند؛ عزتی که به برکت انقلاب اسلامی- که در چنین روزهایی در سال ۵۷ انفجار نور شد- اکنون جمهوری اسلامی ایران را به یکی از تاثیرگذارترین کشورهای جهان مبدل کرده و قدرت‌های بزرگ را مجبور کرده مذاکره پشت مذاکره با دیپلمات‌های ایرانی را خواستار شوند. به نظر می‌رسد بازخوانی علل پیروزی انقلاب در دهه فجر برای برخی ضروری است تا این سخن حکیمانه روح خدا حضرت امام خمینی بنیانگذار نظامی که اکنون در آن مسؤولیت دارند را به یاد آورند:

«ما می‌خواهیم به همه دنیا نشان دهیم قدرت‌های فائقه را هم می‌توان به نیروی ایمان شکست داد».

سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸ / تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ اگر اینقدر با آمریکایی‌ها با لبخند برخورد نمی‌کردند، مطمئناً می‌توانستند سفیر ایران در سازمان ملل را راهی کنند، نه اینکه بعد از یک سال، دست از پا درازتر مجبور شوند سفیر را عوض کنند. آقایان دیدند آمریکا قابل اعتماد نیست یا باز هم می‌خواهند این دشمن بشریت را که به خودش هم رحم نمی‌کند، بیازمایند؟!

حسن‌نژاد

■ رهنمودهای حکیمانه و راهگشای رهبر مدبر انقلاب درباره تداوم منطقی مذاکرات با معیار زیر بار زیاده‌خواهی دشمن نرفتن است. نباید دیگر به این دشمن روسیاه و قول‌هایش اطمینان کرد. آقای دولت، بیدار شو!

شکوفه

■ دولتمردان کشورمان باید حالا که موفق به اعزام سفیر ایران در سازمان ملل نشدند، از این کار غیرقانونی آنها به دادگاه‌های بین‌المللی شکایت کنند البته اگر از اینکه آمریکایی‌ها ناراحت شوند، نمی‌هراسند!

شاعری

آب‌وهوا

ابوموسی	۱۸ / ۲۵	سیستان	۶ / ۲۳
آذرشرقی	۲- / ۱۱	فارس	۰ / ۱۸
آذرغربی	۱- / ۱۱	قزوین	۲ / ۱۵
اردبیل	۲- / ۱۰	قم	۴ / ۲۳
اصفهان	۲ / ۱۹	کردستان	۰ / ۱۷
البرز	۴ / ۱۷	کرمان	۴- / ۱۷
ایلام	۳ / ۱۷	کرمانشاه	۱- / ۱۸
بوشهر	۱۳ / ۲۱	کهگیلویه	۳- / ۱۵
تهران	۷ / ۱۷	گلستان	۶ / ۲۳
چهارمحال	۵- / ۱۵	گیلان	۸ / ۱۹
خراسان‌ج	۴ / ۲۰	لرستان	۳ / ۱۴
خراسان‌ر	۵ / ۱۴	مازندران	۸ / ۲۲
خراسان‌ش	۲ / ۱۵	مرکزی	۱- / ۱۳
خوزستان	۹ / ۲۲	هرمزگان	۱۸ / ۳۵
زنجان	۰ / ۱۴	همدان	۴- / ۱۳
سمنان	۴ / ۱۵	یزد	۷ / ۲۱

تقویم تاریخ

■ **تشریح مواضع آینده نظام اسلامی توسط حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۵۷ش)**

در حالی که جشن و سرور مردم به مناسبت ورود حضرت امام خمینی(ره) به ایران، همچنان در سراسر کشور ادامه داشت، آن حضرت در یک مصاحبه مطبوعاتی که نزدیک به ۳۰۰ خبرنگار ایرانی و خارجی از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، اروپا و کشورهای عربی و آسیا در آن حضور داشتند، به تشریح مواضع آینده نظام اسلامی ایران پرداختند و اعلام کردند بزودی دولت موقت انقلاب را تشکیل خواهند داد. ایشان اظهار داشتند دولت موقت موظف است مقدمات همه‌پرسی را فراهم کند تا پس از تدوین قانون اساسی، آن را به همه‌پرسی بگذارد. امام خمینی همچنین به دولت بختیار، نخست‌وزیر دست‌نشانده شاه هشدار دادند درصورت ادامه سرکوب مردم، ایشان حکم جهاد خواهند داد. امام همچنین از ارتش خواستند به مردم بپیوندند. از طرف دیگر اعلام شد تا آن زمان ۳۵ هزار آمریکایی، خاک ایران را ترک کرده‌اند و ۱۰هزار نفر دیگر نیز بزودی از ایران خارج می‌شوند.

■ **امضای قرارداد نفتی گس- گلشاییان بین ایران و انگلستان (۱۳۲۷ ش)**

محیطی که پس از سرکوب مخالفان دولت محمد ساعد، نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی در کشور فراهم شده بود، به نظر عوامل انگلیس، برای حل مساله نفت و تحکیم نیروی استعماری آن دولت مناسب بود زیرا اکثریت مجلس از نظر دولت وقت حمایت می‌کردند، بسیاری از مخالفان مرعوب شده بودند و رهبر روحانی مردم، آیت‌الله کاشانی در تبعید بود. بنابراین مجلس پانزدهم درصدد بود خدمت خود را در جهت تثبیت غارتگری انگلیس انجام دهد. به همین مناسبت، هیات نمایندگی شرکت نفت انگلیس و ایران به ریاست گس وارد تهران شد و قرارداد الحاقی گس- گلشاییان با مذاکراتی تنظیم شد که ادامه حضور انگلستان را توجیه می‌کرد. این لایحه با شتابزدگی تمام در حالی‌که بیش از چند روز از عمر مجلس پانزدهم باقی نمانده بود، به امید اینکه هیچ نیروی مخالفی وجود نخواهد داشت با قید دوفوریت تقدیم مجلس شد اما با وجود اصرار دربار و دولت، اقلیت مجلس با پشتیبانی افکار عمومی و با نطق‌های مفصل، وقت مجلس را گرفتند و مانع تصویب آن شدند. این قرارداد در جریان دولت‌های بعد، محل اختلاف بود تا اینکه در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ش، ملغی شد.

■ **آغاز استفاده از فلز مس به‌عنوان بهترین رسانای جریان برق (۱۸۸۲م)**

مس یکی از عناصر جدول تناوبی است که نشان آن Cu و عدد اتمی آن ۲۹ است. مس فلز نسبتاً قرمز رنگی است که از خاصیت هدایت الکتریکی و حرارتی بسیار بالایی برخوردار است. چون قدمت مصنوعات مسی کشف شده به ۸۷۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد، احتمالاً این فلز قدیمی‌ترین فلز مورد استفاده انسان است. مس علاوه بر اینکه در سنگ‌های معدنی گوناگون وجود دارد، به حالت فلزی نیز یافت می‌شود (مثلاً مس خالص در بعضی مناطق). این فلز را یونانیان تحت عنوان Chalkos می‌شناختند چون مقدار بسیار زیادی از این فلز در قبرس استخراج می‌شد. رومیان آن را Aes Cyprium می‌نامیدند. بعدها این واژه به فرم ساده‌تر Cuprum درآمد و در نهایت انگلیسی شده و به لغت Copper تبدیل شد.

■ **حمله قوای آلمان وعثمانی به کانال سوئز در جریان جنگ اول جهانی (۱۹۱۵م)**

در جریان جنگ اول جهانی ، کانال سوئز که تحت تصرف انگلیس بود، مورد حمله نیروهای مشترک آلمان و امپراتوری عثمانی قرار گرفت. از آنجا که کانال سوئز، دریای مدیترانه را به دریای سرخ متصل می‌کند تسلط بر این نقطه برای هر دو طرف جنگ، بسیار حائز اهمیت بود. اگر انگلیس این کانال را از دست می‌داد، مستعمراتش در آسیا نیز در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت. به همین علت نیروهای انگلیسی در مقابل تهاجم مشترک آلمان و عثمانی برای تصرف کانال سوئز بشدت مقاومت کردند و مهاجمان را شکست دادند. این کانال تا ۱۹۵۶م که جمال عبدالناصر رهبر مصر، آن را ملی اعلام کرد در اشغال انگلیس باقی ماند.

■ زنبور

کارتون: مازیار بیژنی، وطن‌امروز

شاه جدید سعودی: نباید گذاشت ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد

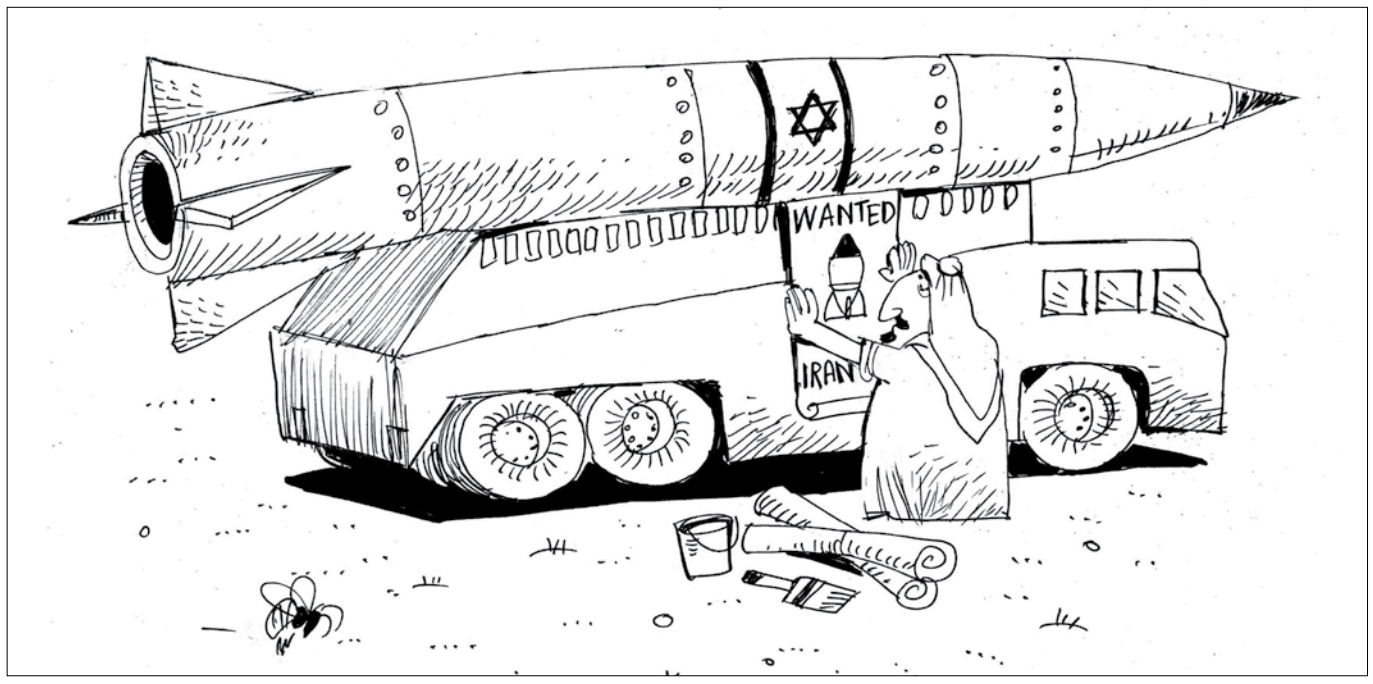

■ حافظه

تاریخچه سعودی ـ ۴

دوره فیصل بن عبدالعزیز

■ محمدصادق حاج‌صمدی ■

پیش از این گفته شد که ملک سعود بن عبدالعزیز با کودتای برادرش فیصل مجبور به کناره‌گیری از سلطنت شد و فیصل بن عبدالعزیز در سال ۱۹۶۴ به سلطنت رسید. وی سومین فرزند ذکور عبدالعزیز و ثمره ازدواج عبدالعزیز با طرفه بنت عبدالله بن عبداللطیف آل‌الشیخ بود. نکته‌ای حائز اهمیت که خاندان آل‌سعود را با آل‌الشیخ که ایدئولوژی عربستان وهابی را در دست دارند پیوند می‌دهد و این امر کمک شایانی به فیصل در رسیدن به قدرت و حفظ آن کرد. فیصل عملا توسط عبدالله بن عبداللطیف بزرگ شده بود که معلم عبدالعزیز نیز بود و در نتیجه فیصل فردی مذهبی بار آمد.

آل‌سعود که علاوه بر تکیه بر سیستم امنیتی و نیروی نظامی و استفاده از قدرت سخت در داخل عربستان، عمده اقتدار خود را به‌وسیله خاندان آل‌الشیخ به‌دست آورده‌اند حکومتشان را به همان وسیله تداوم بخشیده‌اند. آل‌الشیخ فرزندان محمد بن عبدالوهاب هستند و منظور از شیخ همان محمد بن عبدالوهاب است. نوادگان عبدالوهاب بزرگ‌ترین خانواده متحد آل‌سعود در عربستان هستند که ریاست مذهب وهابیت را برعهده دارند و در حال حاضر عبدالعزیز بن عبدالله مفتی اعظم عربستان و امام جمعه حرم مکی شریف است. بزرگ خاندان آل‌شیخ محمد بن ابراهیم مفتی کشور عربستان بود که فیصل با استفاده از نفوذ وی توانست سعود را عزل کند. لکن فیصل در سنین جوانی با دایی‌اش محمد بن ابراهیم در زمینه روابط با انگلستان اختلاف پیدا کرد، چرا که برخلاف فیصل، شیخ‌محمد موافق رابطه با غرب نبود. این اختلاف تا بدانجا پیش‌رفت که باعث شد فیصل دایی‌اش را در خانه‌اش در حجاز که زمانی حکومت آن را بر عهده داشت تحت مراقبت قرار دهد و به تدریج به آل‌الشیخ بدبین شود. اولین گامی که فیصل برای کم کردن نفوذ خانواده آل‌الشیخ برداشت، لغو موروثی بودن مقام مفتی کشور بود که به‌طور سنتی یکی از آل‌الشیخ آن را برعهده می‌گرفت. از این رو برای تعیین مقام مفتی کشور اداره‌ای را وابسته به شورای وزیران ایجاد کرد تا مفتی اعظم را برگزینند. علاوه بر آن نیز دانشگاهی ویژه مطالعات دینی در مدینه و دانشکده‌ای تحت عنوان دانشکده شریعت در مکه تاسیس کرد و بودجه قابل توجهی به آن اختصاص داد و به دانشجویانش حقوق ماهانه پرداخت کرد. سپس همین دانشجویان در دوایر دولتی مانند دستگاه قضایی، مساجد و آموزش و پرورش و... به‌کار گرفته شدند و اینچنین قسمت اعظمی از نفوذ آل‌الشیخ در دستگاه‌های مذهبی و دولتی از دست رفت. سرانجام اقدامات فیصل باعث وابستگی علمای بزرگ و مقام مفتی این کشور به حکومت پادشاهی شد، در حالی‌که قبلا چنین چیزی برای مقام روحانیت در عربستان وجود نداشت و همانند اروپای قرون وسطی، علمای عربستان از استقلال نسبت به دولت برخوردار بودند.

فیصل در ۱۴ سالگی (سال ۱۹۱۹) به جای پدرش عبدالعزیز به دعوت انگلستان به لندن رفت و ۵ ماه در آنجا ماند و طی آن به فرانسه نیز مسافرت کرد و اولین نفر از آل‌سعود بود که به انگلستان و فرانسه سفر کرد. عبدالعزیز همچنین در سال ۱۹۲۲ فیصل را با ۶ هزار نفر به عسیر فرستاد و او عسیر را با قساوت تمام فتح کرد. ۳ سال بعد پدرش او را به سمت نایب‌السلطنه حجاز برگزید و او را مسؤول اخوان کرد. اخوان شبه نظامیانی بدوی از قبایل وهابی بودند که نقش عمده‌ای را در به قدرت رسیدن آل‌سعود بازی کردند و سلفی‌گری و افراطشان به اختلاف مذهبی با آل‌سعود ختم شد و بر عبدالعزیز شوریدند و در ۱۹۳۰ شورش آنها طی درگیری‌های مسلحانه با شکست مواجه شد اما آنهایی که از ایشان باقی مانده بودند به اردوی عبدالعزیز بازگشتند و نیرویی وفادار را تشکیل دادند که بعدها به گارد ملی موسوم شد. با این حال می‌توان گفت فیصل در زمان رهبری اخوان فرماندهی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نیروی نظامی آل‌سعود را بر عهده داشت که از او در مقایسه با برادرش سعود فردی لایق‌تر ساخت. فیصل با مرگ پدر و روی کار آمدن سعود به مقام ولیعهدی رسید. با این حال به دلایلی که پیش از این عنوان شد آل‌الشیخ و آل‌سعود به ملک سعود فشار آوردند تا فیصل را به مقام نخست‌وزیری انتخاب کند که در این صورت اختیارات فیصل بشدت افزایش می‌یافت. فیصل دست به اصلاحات اقتصادی زد و این اقدامات موجب شد اختلافات او و ملک سعود بالا بگیرد و فیصل در سال ۱۹۶۰ استعفا دهد. پس از آن سعود نخست وزیری را زیرمجموعه مقام شاهی قرار داد. لکن حمایت‌های آل‌الشیخ و دیگر برادران باعث شد فیصل مجددا به سمت نخست وزیری برگزیده شود.

فیصل در حالی که هنوز به سلطنت نرسیده بود از خود چهره‌ای لایق و طرفدار اصلاحات نشان داده بود و در حالی که آزادی‌های نسبی برای زنان قائل می‌شد و منع آموزش را برای آنان برداشت محافظه‌کاران مذهبی وهابی را نیز راضی نگه می‌داشت. در سال ۱۹۶۱ فیصل دانشگاه مدینه را بنا نهاد و ۲ سال بعد یعنی در ۱۹۶۳ اولین شبکه تلویزیونی عربستان را ایجاد کرد. لکن با مخالفت علمای وهابی مواجه شد اما آنها را با وعده اینکه حجم زیادی از برنامه‌های تلویزیونی به برنامه‌های مذهبی تخصیص داده می‌شود ساکت کرد. با این حال هر روز فاصله بین بنیادگرایان وهابی و او بیشتر می‌شد تا جایی که در دوران سلطنت وی این اختلافات با آل‌الشیخ به طرز فاحشی بروز یافت.

فیصل در سال ۱۹۶۳ از غیاب سعود که به منظور درمان خارج از عربستان به سر می‌برد استفاده کرد و برادرش عبدالله را به ریاست گارد ملی برگزید و دیگر وفاداران به سعود را نیز از مناصب کلیدی خلع کرد. او همچنین به واسطه ازدواجش با سلطانه بنت‌احمدالسدیری از حمایت آل‌سدیر و ۷ برادر سدیری نیز برخوردار بود و در نتیجه در سال ۱۹۶۴ به امر فیصل، گارد ملی، کاخ سعود را محاصره کرد و او بدینوسیله و با فتوای آل‌الشیخ از سلطنت خلع شد. فیصل پس از کودتا علیه برادر و غصب قدرت طی یک سخنرانی احساسی خود را خادم(!) خواند و حکومت و سلطنت را از آن خدا عنوان کرد. در سال ۱۹۶۷ مقام نخست‌وزیری دوم را ایجاد کرد و برادرش فهد را برای آن منصوب کرد.

فیصل تولید نفت را افزایش داد و از درآمدی که به این واسطه به‌دست آورده بود اصلاحات اقتصادی خود را پی گرفت و در این راستا به خاندان سعود حکم کرد فرزندانشان را برای تحصیل به خارج از عربستان نفرستند و از این راه درآمد قابل توجهی نصیب دولت کرد. پس از کودتای قذافی در لیبی فیصل نیرویی از پلیس مخفی در عربستان ایجاد و در سال ۱۹۶۹ بسیاری از افسران نیروی هوایی را به جرم اقدام برای کودتا دستگیر کرد. نکته جالب توجه این است که فیصل همیشه از مذهب در اداره امور بهره می‌برد و با استفاده از نطق‌های مذهبی به مشروع جلوه دادن سیاست‌های خود می‌پرداخت.

فیصل در عرصه مذهب فردی سختگیر و تند خو بود. او همچنین کشور را به قسمت‌های مذهبی تقسیم کرد و نظامی بر پایه تبعیض قبیله‌ای و مذهبی بنا نهاد که تا امروز ادامه دارد. شیعیان در شرق، اسماعیلیان در جنوب، اهل سنت غیروهابی و وهابی‌ها که طبعا عمده امتیازات را به وهابی‌ها اختصاص می‌داد لکن از قدرت افراطیون وهابی(!) کاست. فیصل در عرصه خارجی همچون پدرش به آمریکا و غرب بسیار نزدیک شد و از هرگونه رابطه‌ای با کشورهای بلوک شرق و شوروی خودداری کرد و در عوض روابط عربستان را با کشورهای غربی گسترش داد. در سال ۱۹۶۷ مجددا به انگلستان رفت و گردنبندی از الماس به ملکه انگلیس هدیه داد. فیصل با جمال عبدالناصر نزاعی آشکار داشت و در جهان عرب از تمام کشورهای پادشاهی در مقابل موج سوسیالیسم و ملی‌گرایی عربی حمایت می‌کرد. همچنین به ترویج وهابیت در مقابل کمونیسم در کشورهای اسلامی پرداخت تا وهابیت را به آلترناتیوی در مقابل ناصریسم و پان‌عربیسم تبدیل کند. رقابت او با ناصر در جنگ داخلی یمن به اوج خود رسید. همچنان که آمریکا و شوروی نیز در یمن منافع خود را دنبال می‌کردند. یمن از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ عرصه جنگ‌های خونین داخلی بود که بین دو گروه جمهوریخواه و سلطنت‌طلبان درگرفت. در این بین اردن و عربستان با کمک انگلستان به حمایت از سلطنت‌طلبان خاندان متوکلی پرداختند در حالی که شوروی و مصر از جمهوریخواهان حمایت می‌کردند. از سوی دیگر فیصل در جریان جنگ ۶ روزه تحرک لازم را نداشت. با این حال فیصل تحت تاثیر فشار افکار عمومی عربستان و دیگر مردم جهان اسلام و خصوصا اعراب منطقه ناگزیر به عملی دهان پر کن نسبت به مساله فلسطین شد و در حالی که کشورهای عربی دیگر در جبهه مقاومت خود را برای جنگ با اسرائیل آماده می‌کردند او در ۱۹۶۹ کنفرانسی در رباط مراکش برگزار کرد که در آن با تکیه بر اسلام‌گرایی وهابی مساله قدس را پیگیری کرد. اگرچه این کنفرانس زمینه‌ساز ایجاد سازمان همکاری اسلامی شد اما عربستان هیچگاه تا زمان جنگ اکتبر ۱۹۷۳ دست به اقدامی درخور در مقابل اسرائیل نزد. شاید بتوان گفت فیصل از شکست ناصر که توازن قوا را در جهان عرب به نفع آل‌سعود تغییر می‌داد نیز خرسند بود، چرا که رقیب دیگری برای رهبری این مجموعه از هم پاشیده که پس از فروپاشی عثمانی همچنان با بحران هویت مواجه بود نداشت. به‌علاوه تضعیف دولت‌های جمهوری، عربستان را از امواج سوسیالیسم و جمهوریخواهی مصون می‌داشت. لکن پس از مرگ ناصر و روی کار آمدن انور سادات در مصر سیاست خارجی عربستان تغییر یافت. انور سادات که خود آماده غلتیدن به سمت بلوک غرب بود روابط حسنه‌ای با فیصل ایجاد کرد و همکاری‌های ۲ کشور در جریان جنگ رمضان ۱۹۷۳ به اوج خود طی چند دهه پیش از آن رسید. نهم رمضان سال ۱۳۹۳ هجری قمری (۱۹۷۳ میلادی) آخرین جنگ بین اعراب و اسرائیل روی داد که در بین مسلمانان به حرب رمضان یا عملیات بدر و در بین یهودیان به‌عنوان یوم کیپور از آن یاد می‌شود، چرا که آغاز آن روز عید کیپور یا آمرزش یهودیان بود و اعراب روز تعطیل اسرائیل را برای غافلگیری دشمن انتخاب کرده بودند. در اصل شکست جنگ ۶ روزه اعراب در ژوئن ۱۹۶۷ که منجر به ۲۱۰۰۰ کشته، ۴۵۰۰۰ زخمی و ۶۰۰۰ اسیر و آوارگی یک میلیون مسلمان و از دست رفتن تمام فلسطین، بلندی‌های جولان و مزارع صبرا، نوار غزه، صحرای سینا و کرانه باختری رود اردن شد، حاکمان عرب را که ناسیونالیسم عربی را شکست خورده دیده بودند به بازگرداندن شرافت اسلامی‌شان واداشت و به همین دلیل بسیاری عامل پیروزی‌های اولیه را انگیزه‌های مذهبی می‌دانند. حافظ اسد و انور سادات که با مرگ جمال عبدالناصر در مصر روی کار آمده بود، فیصل پادشاه عربستان و سلطان عراق، ملک حسین شاه اردن، معمر قذافی، یاسر عرفات و شاه حسن پادشاه مراکش را در جریان جنگ قرار دادند و بدین ترتیب با مساعدت و پشتیبانی جهان عرب حمله به اسرائیل صورت گرفت. فیصل در اعتراض به حمایت غرب از اسرائیل نفت عربستان را از بازار جهانی بیرون کشید و این باعث گرانی قیمت نفت شد. عملی که وجهه آل‌سعود را که تا آن روز از هر اقدام جدی علیه اسرائیل خودداری کرده بودند بهبود بخشید و برای فیصل اعتباری قابل توجه در جهان عرب به‌وجود آورد. افزایش قیمت نفت موجب شد فیصل سخاوتمندانه به جبهه آزادی‌بخش فلسطین، سوریه و مصر کمک کند. رفتار فیصل در مواجهه با اسرائیل او را از چشم غرب انداخت و بسیاری علت ترور وی را نیز همین مساله می‌دانند.

فیصل همچنین به ترویج وهابیت در جهان اسلام پرداخت و مخصوصا در پاکستان بیشترین فعالیت را انجام داد و روابط نزدیکی با ذوالفقار علی بوتو داشت که می‌تواند ناشی از فشار یا علایق خاندان مادری‌اش بوده باشد که زعامت وهابیت را برعهده دارند. خصوصا که افزایش قیمت نفت در زمان او دست وی را برای این کار باز گذاشته بود. روابط پاکستان و عربستان به حدی در عصر وی گسترش یافت که سومین شهر بزرگ پاکستان پس از ترور او به فیصل‌آباد تغییر نام یافت و همچنین مسجد معظمی در اسلام‌آباد و یکی از دو پایگاه مهم نیروی هوایی پاکستان و چند خیابان در کراچی به نام فیصل نامگذاری شد.

فیصل ۴ بار ازدواج کرد که حمایت آل‌جلوی، آل‌ثنیان و سدیری‌ها و آل‌کبیر را برای او به ارمغان آورد. همسر اول او سلطانه بنت احمد السدیری است که خاله ۷ سدیری نیز هست. به‌عبارت دیگر هفت برادر سدیری، پسر خاله‌های فیصل محسوب می‌شدند. همسر دوم وی ملکه عفت از آل‌ثنیان از همه مشهورتر است و از تاثیرگذارترین زنان آل‌سعود است که چند مدرسه در عربستان برای دختران تاسیس کرد. همسر سوم او جوهره بنت سعود بن عبدالعزیز از آل‌کبیر و همسر چهارم او حیا بنت ترکی از آل جلوی و مادر امیر خالد است.

بین فرزندان فیصل، خالد بزرگ‌ترین است و مدتی فرماندار مکه و نیز فرماندار عسیر از ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ بود. وی همچنین به‌خاطر علایقش به هنر شهرت دارد و بارها از غرب به‌خاطر تولیدات رسانه‌ای علیه اعراب انتقاد کرده و فرزندش بندر مدیر روزنامه الوطن است. سعود از ۱۹۷۵ وزیر خارجه عربستان است و طولانی‌ترین دوران وزارت خارجه را در جهان دارد. وی از نزدیکان ملک عبدالله بود و در جریان جنگ ۳۳ روزه به آمریکا نسبت به آتش‌بس هشدار داده بود و نهایت تلاش خود را برای ادامه جنگ و به زعم خود نابودی حزب‌الله انجام داد. وی همچنین مدام نسبت به گسترش قدرت ایران در عراق و لبنان اظهار نگرانی و آمریکا را برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران تشویق می‌کند و می‌توان او را در بین شاهزادگان دشمن ایران در عربستان قرار داد. محمد معاون پیشین وزارت علوم و بنیانگذار و مدیر دارالمال اسلامی و رئیس بانک اسلامی فیصل و بزرگ‌ترین فرزند فیصل از ملکه عفت است. ترکی از ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۱ رئیس سازمان اطلاعات عربستان بوده و سفیر پیشین عربستان در آمریکا در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ است و نیز گزینه بعدی برای وزارت خارجه به نظر می‌رسد. در میان دیپلمات‌های انگلیسی چهره‌ای موجه است و از ۲۰۰۳ به مدت ۲ سال سفیر سعودی در انگلستان بود. اگرچه در قبال لبنان و برنامه هسته‌ای ایران موضعی مشابه دیگر برادران و عمویهایش دارد درباره حمله به ایران گفته بود عربستان به اسرائیل اجازه نخواهد داد از حریم هوایی‌اش برای حمله به ایران استفاده کند. فیصل در سال ۱۹۷۵ به ضرب گلوله فرزند برادر ناتنی‌اش فیصل بن مساعد زخمی شد و در بیمارستان جان سپرد. ضارب به حکم دادگاه در ملأعام در ریاض گردن زده شد.